

تجزیه و تحلیل صورت های مالی

چنانچه اعداد و ارقام صورتهای مالی با دقت لازم و با محتوی صحیح تنظیم شده باشند نسبتهای مالی شرکتها می تواند عملکرد مالی یک شرکت را بخوبی نشان دهد. نسبتهای نقدینگی/سودآوری/سرمایه گذاری و..... تجزیه و تحلیل صورتهای مالی می تواند در زمینه های زیر صورت پذیرد از جمله

- ۱- بررسی نسبتهای نقدینگی و میزان توان شرکت در بازپرداخت بدهی های کوتاه مدت
- ۲- بررسی نسبتهای عملیات از جمله گردش کالا و تولید بطوریکه بتوان فرایند را از زمان تامین مواد اولیه و زمان تولید و مدت انتظار برای توزیع و فروش و نهایتا دوره نقد شوندگی آن را بررسی و تحلیل نمود
- ۳- بررسی استفاده بهینه از داراییهای ثابت و منابع سرمایه ای
- ۴- ارزیابی و بررسی توان مالی شرکت در پرداخت بدهی ها و بازپرداخت تشهیلات مالی دریافتی
- ۵- بطورکلی بررسی وضعیت ساختار سرمایه
- ۶- ارزیابی پروژه ها و طرحهای در دست اجرا
- ۷- بررسی توان و قدرت بنگاه اقتصادی در جذب مشتریان جدید و حفظ مشتریا قدیم
- ۸- تجزیه تحلیل اقلام هزینه و بهای تمام شده کالای ساخته شده و فروش رفته
- ۹- بررسی ساختار منابع انسانی و دهها موضوع مرتبط با عملیات شرکت

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

بازرسی

افزایش بازدهی سرمایه گذاریهای انجام شده، از مهمترین اهداف مدیران سازمانها و موسسات اقتصادی محسوب می شود . در حقیقت، تلاش آنها بر آن است که با مطالعه اطلاعات و آمار و ارقام موجود در صورتهای مالی (که با صرف انرژی و هزینه های فراوان به دست می آیند)، شمایی از عملکرد سازمان خویش به دست آورند و بتوانند با بررسی وضعیت حاضر و در نظر گرفتن اهداف استراتژیک و بلندمدت سازمان و همچنین با آگاهی از نقاط قوت و ضعف خویش و اتخاذ راهبردهای شایسته، موجبات بهینه سازی فعالیتها و بهره جویی قابل قبول از سرمایه گذاریهای انجام شده را فراهم آورند. بر این اساس، تجزیه و تحلیل کارآمد صورتهای مالی می تواند زمینه لازم را برای شناسایی مشکلات پیش روی سازمانها ایجاد کند و راهگشای بسیاری از تصمیم گیریها و آینده نگریها باشد تحلیل صورتهای مالی به گونه ای نظام یا

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

درمقایسه ی ارقام و بررسی صورتهای مالی ، تحلیل گر باید توجه توجیه کند که هر صورت مالی نتیجه ای است

از

- رویدادهای مالی واقع و ثبت شده دردفاتر
- اصلاح حسابهای پایان سال مالی
- رعایت استانداردها و اصول حسابداری
- اجرای قوانین و مقررات مالی بخصوص مقررات مالیاتی مانند استهلاك ، و
- سلیقه حسابدار.



صورتهاوارقامي که باهم مقایسه می شوند باید یکنواخت و به روش واحدی محاسبه شوند تا قابلیت مقایسه داشته باشند . بنابراین قابلیت مقایسه مستلزم آن است که اصل ثبات رویه در تهیه و تنظیم هر یک از دو حسابی که باید یکدیگر مقایسه می شوند رعایت شده باشد .

رابطه نمائی (**Expressing Relationships**)

در مقایسه ، هدف ساده کردن رابطه بین ارقام است . اصولاً ساده کردن رابطه به درک مسائل و توضیح می بخشد و کارتجریه و تحلیل را آسان می سازد .

نتیجه مقایسه و رابطه بین ارقام ممکن است به یکی از طرق زیر نشان داده شود

▪ نسبت یابی (**Ratio Computation**)

▪ درصدگیری (**Percentage Computation**)

▪ روندیابی (**Trend Analysis**)

▪ شاخص سنجی (**Index Number Comparison**)

الف- نسبت یابی : نسبت و رابط بین دو رقم ممکن است به صورت درصد ، به شکل کسر و یا براساس واحد پول بیان شود . مثلاً اگر فروش شرکتی ۱۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال و سود آن ۲۴٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال باشد ، در مورد رابطه این دو رقم می توان گفت :

۱. سود بیست درصد فروش است .

۲. سود یک پنجم فروش است

۳. نسبت فروش به سود پنج به یک است ، و یا

۴. از هر ده ریال فروش دو ریال سود تحصیل گردیده است .

هر یک از چهار تعبیر ، نسبت سود را به فروش نشان می دهد . باید توجه داشت که تعیین نسبت بین ارقام چیزی به آنها نمی افزاید و از آنها نمی کاهد فقط درک رابطه آنها را ساده تر می کند .

ب- درصد گیری : در صورت های مالی نسبت بین یک عدد را با جمع اعدادی که آن عدد را هم در برداشته باشد

درصد جزء به کل (**Component Percentage**) می نامیم . تعیین نسبت جزء به کل اهمیت نسبی ارقام مندرج

در صورت های مالی و تغییرات حاصل در دوره های مختلف فعالیت را نشان می دهد . صورت های مالی که بدین گونه

بر اساس درصد جزء به کل ارقام تنظیم شده باشند اصطلاحاً " **صورت های هم قیاس " (Common-size**

Statements)

ج - روندیابی : تجزیه و تحلیل صورت های مالی یک سال ، اطلاعات محدودی را به دست می دهد مضافاً به این که



از يك سوتجربه يك سال كافي براي اظهارنظر نيست وازسوي ديگر ممكن است آن سال نمونه خوبي ازوضع كلي شركت نباشد . بنابرين بررسي وضع مالي موسسه براي مدت چندسال مفيد بلكه ضروري به نظرمي رسد .

شركت سهامی نمونه حسابهای فروش ، سودوسهام برای پنج سال گذشته (ارقام به ميليون ريال)					
۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	
۳,۵۹۱	۳,۸۶۳	۳,۲۳۹	۳,۵۷۳	۳,۲۴۸	فروش
۳۰۵	۳۶۴	۴۳۱	۴۷۷	۵۲۶	سودخالص
۵/۸۴	۶/۹۶	۸/۳۰	۹/۰۳	۹/۶۶	سودهرسهم
۱/۶۰	۲/۳۷	۳/۱۷	۴/۰	۴/۳۰	سودنقدی پرداختی بابت هرسهم

حسابداران و نسبتهای مالی

تجزیه و تحلیل مالی فرایندی است که طی آن مشخصات و ویژگیهای بارز مالی و عملیاتی واحد اقتصادی بااستفاده از صورتهای مالی و سایر اطلاعات مالی مشخص می شود و در امر تصمیم گیری ، استفاده کنندگان از صورتهای مالی را یاری می کند .

یکی از روشهای متداول تجزیه و تحلیل صورتهای مالی ، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نسبتهای مالی می باشد . نسبتهای مالی در یک دسته بندی کلی به پنج دسته تقسیم میشوند

- ۱- نسبتهای نقدینگی : نسبتهایی هستند که کفایت و قدرت نقدینگی موسسه را در قبال بازپرداخت بدهیهای کوتاه مدت مشخص می کند . این نسبت بیشتر مورد توجه بستانکاران کوتاه مدت موسسه و افرادی است که تصمیم دارند به موسسه وام بدهند .
- ۲- نسبتهای اهرمی : نسبتهایی هستند که میزان تأمین مالی از منابع مالی خارجی را مشخص می کند . یعنی وجوهی که توسط صاحبان شرکت (سهامداران) تأمین شده با وجوهی که از طریق وام بدست آمده مقایسه می شود .



۳- نسبت‌های فعالیت : نسبت‌هایی هستند که میزان کاربرد داراییها را مشخص می کند و سطح فروش را با حسابهای مختلف دارایی مانند موجودی کالا ، حسابهای دریافتنی ، دارایی ثابت و غیره می سنجد .

۴- نسبت‌های سودآوری : این نسبتها نتیجه کالایی فعالیت ها و توان بهره برداری شرکت را از طریق سود ارزیابی می کنند .

۵- نسبت‌های مالکیت : این نسبتها بطور مستقیم و غیر مستقیم پیوند دهنده سود نقدینگی هستند و به سهامداران در ارزیابی نقدینگی ها و سیاستهایی که بر قیمت بازار سهام تأثیر می گذارند کمک می کند یعنی آنان می توانند با استفاده از این نسبتها وضعیت سرمایه گذاری خود را در شرکت در زمان حال و آینده بررسی کنند . همانطور که پیداست این نسبتها بیشتر از همه مربوط به صاحبان سهام است .

این روزها اگر کسی بخواهد در زمینه بورس و سهام فعالیت کند باید بتواند نسبت‌های مالی یک موسسه را محاسبه کند . نسبتها مانند کلیدهایی هستند که در های بسته را باز می کنند . وقتی که شما یک صورت مالی را در اختیار دارید و می خواهید به موسسه صاحب آن صورت مالی وام بدهید ، بهترین کار محاسبه نسبت‌های نقدینگی موسسه مذکور است .

نسبت‌های اهرمی نیز کارایی بالایی دارند . از طریق این نسبتها می توان نسبت بدهی به دارایی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام را مشخص نمود . ضمناً میتوان میزان توانایی یک موسسه در پرداخت بهره را محاسبه نمود . نسبت دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد که درآمد شرکت تا چه اندازه برای پوشش هزینه های ثابت کافی است . نسبت‌های فعالیت که شامل : نسبت گردش موجودی کالا ، نسبت متوسط دوره وصول مطالبات ، نسبت گردش حسابهای دریافتنی ، نسبت گردش داراییهای ثابت و نسبت گردش مجموع دارایی هاست ، خود جای صحبت بسیار دارد که در این مطلب نمی گنجد . البته هدف این است که شما آگاه شده و خود به دنبال اصل مطلب باشید . نه اینکه همه چیز برای شما یکجا آماده شود.

نسبت‌های سودآوری و مالکیت هم که اهمیت خاصی برای مدیریت سهام دارد معمولاً کمتر مورد توجه سهامداران قرار می گیرد . معمولاً سهامداران تنها با توجه به سابقه یک موسسه ، اقدام به خرید سهام آن موسسه می نمایند . شاید دلیل اصلی این اقدام ، دانش ناکافی سهامداران در ایران است . معمولاً در ایران سرمایه و تجربه حرف اول را میزند و دانش جایگاه خاصی ندارد . توجه داشته باشید که اگر تجربه و دانش در هم آمیخته شود و سرمایه در کنار این ترکیب قرار گیرد در این صورت نه تنها نتیجه مطلوب تری حاصل می شود بلکه ریسک سرمایه گذاری نیز کاهش می یابد.

شرح وظایف :

۱ - تهیه طرح زمانبندی اطلاعات، آمار و صورتهای مالی



- ۲ - تهیه دستورالعملها و روشها و بخشنامه های لازم جهت چگونگی تهیه گزارشات و صورتهای مالی
- ۳ - مطالعه و بررسی اطلاعات و صورتهای مالی و گزارشات دریافتی و کنترل آنها طبق چک لیست های مربوط
- ۴ - انعکاس نارساییها، ایرادات و اشکالات مشهوده به واحدها و پیگیری تا رفع آنها.
- ۵ - رسیدگی به داراییها، بدهیها، درآمدها و هزینه های واحدها و ضمایم وابسته.
- ۶ - تهیه گزارشات به مراجع ذیربط دانشگاه.
- ۷ - تهیه خلاصه ترازهای آزمایشی، ترازهای تلفیقی از داراییها، بدهیها، درآمدها و هزینه ها.
- ۸ - تهیه صورتهای مالی شامل: ترازنامه درآمد و هزینه براساس تراز تلفیقی واحدها.
- ۹ - تهیه گزارش تجزیه و تحلیل صورتهای مالی صورت تغییرات مالی، صورت جریانهای نقدی صورت نسبتهای مالی نمودار و ارزش ویژه صورت اندوخته طرح و توسعه و نمودارهای مربوطه.
- ۱۰ - تهیه و تنظیم گزارشهای لازم از نتیجه عملیات، فعالیتها و اقدامات انجام شده برای مقامات و مراجع قانونی.
- ۱۱ - انجام سایر امور محوله از طریق مدیریت.

تحلیل صورتهای مالی در واقع بخشی از تحلیل کسب و کار به شمار می آید.

تحلیل کسب و کار عبارت از ارزیابی چشم انداز و ریسک های بنگاه به منظور اتخاذ تصمیم در مورد کسب و کار آینده است.

تصمیم گیری های کسب و کار شامل موارد متعددی، از جمله ارزش گذاری سهام و بدهی ها، ارزیابی ریسک اعتبار، پیش بینی سود، حسابرسی ها و مذاکرات جبران خسارت است. تحلیل کسب و کار، با ارزیابی محیط کسب و کار، استراتژی ها و عملکرد بنگاه به مدیران کمک می کند تا تصمیمات به جا و آگاهانه اتخاذ کنند.

یکی از مراحل اولیه تحلیل کسب و کار عبارت است از: ارزیابی محیط کسب و کار و استراتژی های بنگاه که شامل: محصولات و فعالیت های کنونی و آتی، بازارها، رقیبان، قیمت سهام بنگاه، مزیت های بنگاه (از جمله مزیت هزینه ای) و بسیاری موارد دیگر است.

صورتهای مالی، منبعی مطمئن جهت کسب اطلاعات مالی لازم برای تحلیل کسب و کار به شمار می آیند.

صورتهای مالی مشخص می کنند که یک بنگاه منابع خود را چگونه به دست می آورد (تامین مالی)، کجا و چگونه این منابع را مصرف می کند (سرمایه گذاری) و از این منابع تا چه حد کارآمد استفاده می کند (سوددهی عملیاتی).

برای پی بردن به اینکه اطلاعات صورتهای مالی چگونه در تحلیل کسب و کار مورد استفاده قرار می گیرند به یک مثال توجه کنید به عنوان نمونه، درآمدهای کمپانی «دل» طی ۵ سال، بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که سود آن حدود ۴۰ درصد افزایش نشان می دهد.

همانگونه که مشاهده می شود، کمپانی «دل» نه تنها سوددهی خوبی داشته، بلکه خالص گردش وجوه نقدی اش از محل عملیات بنگاه طی ۵ سال حدود ۲۷ درصد افزایش یافته است و ۵/۳ میلیارد دلار گردش وجوه نقد عملیاتی اش معادل بیش از ۱۰ درصد درآمد بنگاه بوده است. و بالاخره سوددهی و بازده فوق العاده حقوق صاحبان سهام، همراه با توانایی ایجاد گردش وجوه نقد قابل ملاحظه، سبب شده است تا قیمت سهام کمپانی «دل» از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ حدود ۲۲ درصد افزایش پیدا کند.

حال آیا این اطلاعات برای قضاوت در مورد خرید سهام کمپانی «دل» و یا سایر تصمیم گیری های مرتبط با این کمپانی کفایت می کند؟ یقیناً خیر!

برای تصمیم گیری های اقتصادی دقیق در مورد کمپانی «دل» و یا هر شرکت به اطلاعات بیشتری مانند اطلاعات زیر نیاز است:



* چشم‌انداز کسب و کار آینده شرکت چگونه است؟ آیا انتظار می‌رود که بازار محصولات شرکت گسترش یابد؟ نقاط قوت و ضعف شرکت در رقابت با رقبای کدامند؟ شرکت برای پاسخگویی به فرصت‌ها و تهدیدها چه تدابیر استراتژیک اتخاذ کرده است و یا در نظر دارد اتخاذ کند؟ (SWOT)

* توانایی بالقوه شرکت برای کسب سود چه مقدار است؟ سوددهی شرکت در سال‌های اخیر چگونه بوده است؟ سود کنونی شرکت تا چه اندازه پایدار است؟ عوامل موثر در سوددهی شرکت کدامند؟ رشد سود شرکت چگونه ارزیابی می‌شود؟

* وضع مالی شرکت در حال حاضر چگونه است؟ ساختار مالی شرکت متضمن چه ریسک‌ها و مزایایی است؟ آیا سود شرکت در برابر نوسانات بازار آسیب‌پذیر است؟ آیا شرکت می‌تواند از پس یک دوره کاهش شدید سوددهی برآید؟

* شرکت چگونه می‌تواند با رقبای داخلی و خارجی رقابت کند؟

* قیمت معقول سهام شرکت چیست؟

* اعتبار دهندگان و وام‌دهندگان نیز در پی یافتن پاسخ برای سوال‌های زیر هستند:

* برنامه‌های کسب و کار شرکت و چشم‌انداز آن چگونه است؟ نیازهای تامین مالی آتی شرکت کدامند؟

* منابع احتمالی شرکت برای پرداخت بهره و اصل وام‌های اخذ شده، کدامند؟ سود و گردش وجوه نقد شرکت تا چه میزان پشتوانه‌ای برای پرداخت بهره و اصل وام‌های دریافتی به شمار می‌روند.

* احتمال قصور شرکت در ادا تعهداتش چه مقدار است؟ سود و گردش وجوه نقد شرکت تا چه اندازه ممکن است دچار نوسان شوند؟ آیا توانایی مالی شرکت آن اندازه است که در یک دوره رکود سوددهی بتواند به تعهداتش عمل کند؟

پاسخگویی به این سوالات و یک رشته سوالات دیگر در ارتباط با چشم‌انداز و ریسک‌های شرکت مستلزم تحلیل اطلاعات کیفی در مورد برنامه کسب و کار شرکت و اطلاعات کمی در مورد وضع مالی و عملکرد آن است و این همان نقش اصلی تحلیل صورت‌های مالی است. انواع تحلیل‌های کسب و کار

تحلیل صورت‌های مالی، بخش مهم و لاینفک تحلیل کسب و کار را تشکیل می‌دهد. تحلیل کسب و کار به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد که در زیر به عمده‌ترین انواع آن اشاره می‌شود.

تحلیل اعتبار

تحلیل اعتبار عبارت است از ارزیابی شایستگی اعتباری یک بنگاه اقتصادی، یا به بیان دیگر توانایی بنگاه در ادا تعهداتش. بنابراین، تحلیل اعتبار عمدتاً بر مساله ریسک و نه بر سوددهی بنگاه تاکید دارد. تغییرات سود به ویژه حساسیت سود در مقابل کساد کسب و کار، مهم‌تر از سطح سود شرکت است. سطح سود فقط تا آن حد مهم است که منعکس‌کننده حاشیه امنیت توانایی بنگاه برای ادا تعهداتش است.

تاکید تحلیل اعتبار متوجه ریسک نازل عملکرد و نه توانایی افزایش عملکرد بنگاه است. به این ترتیب، ریسک اعتبار شامل تحلیل نقدینگی و تحلیل توانایی پرداخت بدهی‌ها می‌شود. قابلیت فراهم آوردن نقدینگی عبارت است از توانایی یک بنگاه برای تهیه پول نقد در کوتاه‌مدت به منظور ایفای تعهدات. نقدینگی بنگاه بستگی به گردش وجوه نقد و ترکیب دارایی‌های جاری و بدهی‌های جاری آن دارد. توانایی پرداخت بدهی‌ها نیز عبارت از قابلیت و توانایی بلندمدت بنگاه در ایفای تعهدات بلندمدت است، این امر به سوددهی بلندمدت و ساختار سرمایه (ساختار تامین مالی) بنگاه بستگی پیدا می‌کند.

ابزار تحلیل اعتبار و معیارهای ارزیابی آن، متناسب با طول مدت، نوع و مورد استفاده وام تغییر می‌کند. در مورد اعتبارات کوتاه‌مدت، وام‌دهندگان به شرایط مالی فعلی، گردش وجوه نقد و نقدشوندگی دارایی‌های جاری توجه می‌کنند و در مورد اعتبارات بلندمدت و ارزش‌گذاری اوراق قرضه، وام‌دهندگان خواستار اطلاعات بیشتر و تحلیل‌های آینده‌نگر هستند. تحلیل اعتبار بلندمدت شامل پیش‌بینی گردش وجوه نقد و ارزیابی بلندمدت سوددهی (یا قدرت کسب سود پایدار) است. تحلیل سهام

تامین مالی با انتشار سهام را سرمایه سهمی نیز می‌نامند. سرمایه سهمی در واقع پشتوانه یا محافظی برای سایر انواع تامین مالی که بر آن ارجحیت دارند، به شمار می‌آید. این امر بدان مفهوم است که سرمایه‌گذاران در سهام فقط پس از تادیه کلیه مطالبات سایر طلب‌کاران (از جمله پرداخت بهره و سود سهام ممتاز) نسبت به دارایی‌های شرکت محق، خواهند بود. به این ترتیب، سرمایه‌گذاران در سهام نخستین کسانی هستند که به هنگام ورشکستگی بنگاه متحمل زیان می‌شوند، هرچند که مقدار زیانشان به میزان سرمایه‌گذاریشان محدود می‌شود.



از طرف دیگر، وقتی کسب و کار بنگاه رونق می‌گیرد، سرمایه‌گذاران در سهام در کلیه موفقیت‌های به دست آمده سهیم خواهند بود. به این ترتیب، برخلاف تحلیل اعتبار، در تحلیل سهام باید هم ریسک تنزل و هم امکان ترقی بالقوه قیمت سهام، مورد ارزیابی قرار گیرد. سرمایه‌گذاران در سهام معمولاً از تحلیل‌های فنی و تحلیل‌های اساسی و یا ترکیبی از این دو استفاده می‌کنند. تحلیل‌های فنی یا نموداری در پی یافتن الگوی تاریخی قیمت یک سهم هستند تا از آن طریق، تغییرات آتی قیمت سهام را پیش‌بینی کنند. تحلیل‌های اساسی که رواج بیشتری دارند عبارت از تعیین ارزش یک بنگاه از طریق تحلیل و تفسیر عوامل اصلی اقتصاد، صنعت و بنگاه است. از جمله بخش‌های عمده تحلیل اساسی عبارت از ارزیابی موقعیت مالی و عملکرد بنگاه است.

یکی از اهداف عمده تحلیل اساسی نیز تعیین ارزش ذاتی یا ارزش اساسی است. ارزش ذاتی یک ارزش یک بنگاه (یا یک سهم) از سوی تحلیل اساسی و بدون رجوع به ارزش بازار تعیین می‌شود. استراتژی سرمایه‌گذاران در قبال تحلیل اساسی از این قرار است: وقتی ارزش ذاتی یک سهم از ارزش بازار آن سهم بالاتر می‌رود، اقدام به خرید می‌کنند و در مقابل وقتی ارزش بازار یک سهم از ارزش ذاتی آن بیشتر می‌شود، اقدام به فروش می‌کنند. برای تعیین ارزش ذاتی بنگاه، تحلیلگر باید سود یا گردش وجوه نقد بنگاه را پیش‌بینی کند و ریسک‌های بنگاه را مشخص سازد. وقتی سوددهی آتی و ریسک‌های بنگاه برآورد شدند، تحلیلگر با استفاده از یک مدل ارزش‌گذاری، این اطلاعات را تبدیل به معیاری برای سنجش ارزش ذاتی می‌کند.

عناصر تحلیل کسب و کار

تحلیل کسب و کار دربرگیرنده چندین فرآیند مرتبط با هم است. در شکل «یک» این فرآیندها در ارتباط با برآورد ارزش بنگاه، نمایش داده شده‌اند. ارزش شرکت یا ارزش ذاتی با استفاده از یک مدل ارزش‌گذاری، برآورد می‌شود.

ورودی‌های مدل ارزش‌گذاری از برآورد سود و زیان‌های آتی (گردش وجوه نقد یا سود آتی) و هزینه سرمایه به دست می‌آیند. فرآیند پیش‌بینی سود و زیان آتی به اصطلاح تحلیل چشم‌انداز نامیده می‌شود. برای پیش‌بینی دقیق سود و زیان آتی، ارزیابی دو مقوله اهمیت فوق‌العاده دارد: چشم‌انداز کسب و کار بنگاه و صورت‌های مالی. ارزیابی چشم‌انداز کسب و کار یکی از اهداف عمده تحلیل محیط کسب و کار و استراتژی بنگاه است. وضع مالی بنگاه را با مراجعه به صورت‌های مالی و استفاده از تحلیل‌های مالی ارزیابی می‌کنند و کیفیت تحلیل مالی نیز به نوبه خود بستگی دارد، به قابلیت اعتماد و محتوای اقتصادی صورت‌های مالی. این امر مستلزم تحلیل حسابداری صورت‌های مالی است. تحلیل صورت‌های مالی، کلیه فرآیندهای زیر را در برمی‌گیرد:

تحلیل محیط کسب و کار و استراتژی بنگاه

تحلیل چشم‌انداز آینده بنگاه یکی از مهمترین اهداف تحلیل کسب و کار می‌باشد. برای انجام دقیق این امر مهم باید به آینده‌نگری چندرشته‌ای مجهز شد که شامل پرداختن به تحلیل محیط کسب و کار و استراتژی بنگاه می‌شود.

هدف تحلیل محیط کسب و کار، شناسایی و برآورد شرایط اقتصادی بنگاه و صنعت مربوطه است و تحلیل استراتژی کسب و کار نیز در پی شناسایی و ارزیابی قدرت رقابت و نقاط ضعف بنگاه همراه با فرصت‌ها و تهدیدها است.

تحلیل محیط کسب و کار و استراتژی بنگاه از دو بخش تحلیل صنعت و تحلیل استراتژی تشکیل شده است. تحلیل صنعت معمولاً اولین گام به شمار می‌آید، زیرا چشم‌انداز و ساختار صنعت تا حدود زیادی تعیین‌کننده سوددهی بنگاه است. تحلیل صنعت معمولاً در چارچوب مدلی که از سوی پورتر در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ طراحی شد و تحلیل زنجیره ارزش نامیده می‌شود، صورت می‌پذیرد. در این چارچوب، یک صنعت به مثابه مجموعه‌ای از رقبا در نظر گرفته می‌شود که بر سر کسب قدرت چانه‌زنی در مقابل مشتریان و تامین‌کنندگان، بایکدیگر رقابت و مبارزه می‌کنند و در عین حال با تهدیدهایی از جانب رقبا جدید و محصولات جانشین روبه‌رو هستند. تحلیل صنعت باید هم آینده صنعت مربوطه را پیش‌بینی کند و هم میزان رقابت بالفعل و بالقوه‌ای که بنگاه با آن مواجه است.

تحلیل استراتژی شامل ارزیابی دو مقوله، شامل: اول، تصمیمات بنگاه در مورد کسب و کار، و دوم، موفقیت بنگاه در دستیابی به مزیت رقابتی است. تحلیل استراتژی شامل برآورد واکنش استراتژیک بنگاه در مقابل محیط کسب و کار و تاثیر این واکنش‌ها در موفقیت‌ها و رشد آتی بنگاه می‌شود.

تحلیل استراتژی مستلزم بررسی دقیق استراتژی رقابت بنگاه در زمینه ترکیب محصولات و ساختار هزینه‌ها است.



تحلیل محیط کسب و کار و استراتژی مستلزم تسلط بر دانش اقتصاد، نیروهای صنعت و نیز مدیریت استراتژیک، سیاست کسب و کار، تولید، مدیریت پشتیبانی، بازاریابی و اقتصاد مدیریت است.

تحلیل حسابداری

تحلیل حسابداری شامل فرآیند ارزیابی میزان انعکاس واقعیت‌های اقتصادی در حسابداری بنگاه است. این امر با بررسی مبادلات و رویدادهای بنگاه، برآورد تاثیر سیاست‌های حسابداری بنگاه بر روی صورت‌های مالی و تنظیم این صورت‌های مالی به گونه‌ای که واقعیت اقتصادی را بهتر منعکس سازند و قابلیت تحلیل بیشتری پیدا کنند، تحقق می‌یابد. صورت‌های مالی منبع اصلی اطلاعات لازم برای تحلیل مالی هستند. این امر بدان معنا است که کیفیت تحلیل مالی به میزان اعتماد به صورت‌های مالی بستگی دارد که این نیز به نوبه خود به کیفیت تحلیل حسابداری بستگی دارد. تحلیل حسابداری به ویژه در موارد تحلیل‌های مقایسه‌ای اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کنند.

در تحلیل کسب و کار معمولاً تحلیل حسابداری کمتر مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. احتمالاً یکی از علل این کم‌توجهی آن است که تحلیل حسابداری مستلزم مجهز بودن به دانش حسابداری است. تحلیلگرانی که به دانش حسابداری آشنا نیستند، گرایش بدان دارند که تحلیل حسابداری را از پیش دیده دور کنند و صورت‌های مالی را همان‌گونه که تنظیم شده‌اند، بپذیرند. این بی‌توجهی به حسابداری، عملی بسیار خطرناک است، زیرا تحلیل حسابداری در تحلیل کسب و کار و تحلیل مالی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

تحلیل مالی

تحلیل مالی یعنی استفاده از صورت‌های مالی جهت تحلیل وضع مالی و عملکرد بنگاه و نیز برآورد عملکرد مالی آینده آن است. طرح سوالات متعدد می‌تواند به انجام تحلیل مالی کمک کند. یک رشته از این سوالات به آینده بنگاه مربوط می‌شوند. مثلاً، آیا بنگاه منابع کافی برای کسب موفقیت و رشد در اختیار دارد؟ آیا منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید وجود دارند؟ منابع سوددهی بنگاه کدامند؟ قدرت درآمدزایی آتی چگونه است؟ و یک رشته دیگر از سوالات مربوط می‌شود به ارزیابی عملکرد بنگاه و توانایی آن در تحقق عملکرد مالی مورد انتظار. مثلاً این که موقعیت مالی بنگاه تا چه اندازه محکم است؟ بنگاه تا چه اندازه سودده است؟ آیا درآمدهای بنگاه با پیش‌بینی‌های تحلیلگران مطابقت دارد؟ تحلیل مالی از سه جز تحلیل سوددهی، تحلیل ریسک و تحلیل منابع و مصارف تشکیل می‌شود. تحلیل سوددهی از ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری به دست می‌آید.

